

# تجربه‌ای نو

محمدفائق مجیدی دهگلان، دبیر، کردستان

مرتبط بودند. یک نفر نماهنگ دختری را فرستاده بود که خیلی زیبا شعری طولانی را از حفظ در جلسه‌ای رسمی می‌خواند. دیگری شعری از شاعری معاصر را با دکلمه خود شاعر انتخاب کرده بود. یک دانش‌آموز نماهنگی تأثیرگذار در مورد ارزش وقت فرستاده بود که انگلیسی قرائت می‌شد و زیرنویس فارسی داشت و به مراتب از متن کتاب درسی در این باره، جالب‌تر بود.

من هم به‌عنوان شاگرد، نماهنگی انتخاب کردم که در قسمتی از آن، به نقل قول از پیرزنی در آمازون، این جمله آمده است: خوشبختی این است که در مسیر زندگی‌ات همواره آدم‌های خوب قرار بگیرند؛ یک همسایه خوب، یک معلم خوب و ...

هنوز هم بعضی از بچه‌ها نماهنگ‌ها یا مطالبشان را نفرستاده‌اند. امروز هم می‌فرستند. درباره تک‌تک آن‌ها صحبت کردن، در این مقال نمی‌گنجد. امیدوارم بتوانیم از دریای بی‌کران فضای مجازی برای پروردن کودکان و نوجوانان این مرزوبوم نهایت استفاده را ببریم.

آشنا می‌شوند و تمرین نوشتن می‌کنند. در همین پنج‌شنبه گذشته ایده‌ای به ذهنم رسید و آن این بود:

## تکلیف ۲۰

فرض کنید شما معلم ادبیات هستید. برای اینکه بچه‌ها به درس ادبیات علاقه‌مند شوند، یک متن، آهنگ، فیلم یا هر چیز مرتبط با ادبیات انتخاب کنید و برای کل کلاس به اشتراک بگذارید. منتظر بهترین انتخاب‌های شما هستیم. البته اول به پی‌وی بفرستید. من بعد از بررسی، آن را با نام خودتان به اشتراک می‌گذارم. تا فردا شب ساعت ۱۰ بفرستید. می‌توانید از والدین کمک بگیرید.

پنجشنبه و جمعه، بچه‌ها همراه با خانواده‌هایشان، تا پاسی از شب برای متن‌ها و نماهنگ‌های عالی می‌فرستادند و من پس از دیدن، آن‌ها را در گروه به اشتراک می‌گذاشتم. من پی‌بردم، اگر معلم در این فضای جهانی مجازی زمینه بروز خلاقیت را فراهم کند، بچه‌ها شاهکار خلق می‌کنند. نماهنگ (کلیپ)ها را با دقت نگاه کردم. همگی با ادبیات ایران و جهان

من معلمم و تا همین دو سال پیش به‌صورت سنتی و در کلاس درس تدریس می‌کردم. گاهی از ابزارهای نوین هم در کلاس استفاده می‌کردم، اما باز هم تدریس سنتی بود. برای اینکه یک پاورپوینت، یک دکلمه یا یک متن زیبا را روی صفحه نمایش کلاس بیاورم، باید کلی تلاش می‌کردم، جست‌وجو می‌کردم، داندلود می‌کردم و ...

من ادبیات فارسی تدریس می‌کنم. قبلاً و در دوران تدریس سنتی، گلچینی از دکلمه شاعرانی چون مهدی اخوان ثالث را روی نوار کاست گلچین کرده بودم و در کلاس برای بچه‌ها پخش می‌کردم. دو سالی هم که در کتابخانه عمومی شهرم بودم و یک نوبت تدریس می‌کردم، هر روز کتابی و مجله‌ای به امانت به کلاس می‌بردم و به بچه‌ها معرفی می‌کردم.

اکنون دو کلاس مجازی دارم، دو کلاس در پایه‌های هفتم و هشتم. اول سال چند روز کلاس حضوری داشتیم و بچه‌ها را شناختیم و ارتباط برقرار کردیم. حال از طریق همین فضای مجازی تکلیف می‌دهم و آن‌ها جواب می‌دهند. با شاعران و نویسندگان بزرگ

